

آزادی و عدالت

در حیات سیاسی و اجتماعی ملت‌ها – در طول قرون و اعصار، لحظه‌هایی پیدا می‌شود که همچنان برقی که از برخورد ابرها در آسمان نمایان می‌گردد، فقط در یک لمحه بچشم می‌خورد، و بلا فاصله خاموش می‌گردد.

و اگر ملت‌ها بتوانند این لمحه را بموقع دریابند، و برقی که ساطع می‌شود، بدقت ببینند و عقلاً آن ملت در همان هنگام درخشش آنستیز جرقه‌گون، آن حرکت را در صفحات تاریخ اجتماعی و سیاسی ثبت‌نمایند. به تحقیق آن ملت و آن جامعه می‌تواند در حرکت راستین خود بسوی تکامل جهشی بجا و جنبشی بموقع داشته باشد. و هرگاه جوامعی که مسئولیت دیدار چنین برق لامعی را در بین اجتماع پهناور خویش برعهده دارند، بهنگام ضرورت بخلسمه فرورفته باشند، و قادر نگردند، پرای آگاهی آن ملت، بدرستی در چنین رویدادهای درخشنان – آنرا بررسی و ثبیت کنند و ناگزیر با بی‌تفاوتی از کنار آن بگذرند؛ به تحقیق، آن ملت مجدداً عصر درازی را باید پشتسر بگذارد – تا بتواند در گردهش قرون و اعصار بار دیگر به چنان رویدادی برسد.

و یقیناً، چنان ملتی، درباره متفلکان، و باصطلاح روش‌بینانی که نتوانسته باشند، در لحظه موعود، حرکت برق‌آسای تاریخ را درک نموده و آنرا ضبط نمایند، تا از آن رویداد در جهت جهش مردم بسوی تکامل سود ببرند، قضاوتی بس‌گزندۀ و زهر‌آکین خواهند نمود.

میدانیم که در بین جوامع هر ملتی، اجتماعات محدودی هستند که وظیفه و تکلیف سنگین بیداری و نگاهبانی را برعهده دارند، تابعوان یک جامعه مسئول، در جهت پیشبره جنبش‌های راستین، آن لحظه وقوع را بهنگام، مشخص نمایند، که از آن جمله است اجتماع روش‌فکر حقوق‌دانان زیرا چنانکه میدانیم «کلمه حق» نقطه

عطف هر حرکتی است بسوی تکامل، و به تحقیق جامعه‌ای که خود را مبارز راستین اعتلای این کلمه می‌شناسد، مکلف است تا در اوج درخشش این کلام در پیشاپیش سایر صفوں برآهبری پردازد.

زیرا «ازادی و عدالت» که آخرین نقطه‌اتکا هر جنبش بکمال رسیده‌ایست، منبعث از کلمه «حق» می‌باشد و با توجه براینکه در بین هیچ ملتی بعثت و رسالتی بر عهده دوش هیچ اجتماعی برای تجلی کلمه حق، بیشتر از جامعه حقوق‌دانان گذاشته نشده‌است، بنابراین با درک ضرورت زمان و توجه به تأثیر حرکت‌الملانه، و جهش منظم جامعه‌ای که رسول کلام حق می‌باشد، و با قبول مقدس‌ترین طریق، یعنی قبول حرفه «خدمت بخلق» که سرلوحه زندگی خویش قرارداده است. و با پذیرش این امر که یک حقوق‌دان، متهمد به‌هدایت خلق، برای خدا و حق می‌باشد، و با توجه براین‌نکه که قادر خواهد بود با بروز شخصیت والای و کالت – افکار و اندیشه‌های خود را به بهترین وجهی بسایر جوامع نفوذ دهد، می‌بایستی در این لحظه از زمان، که همه جوامع متفرق ملت، نیاز به همگامی و همسنگری دارد و احياناً در کوره راه‌ها، دوچار سیامی‌ها می‌باشند باقدرتی چون درخشش راستین آتش، کلام نافذ حق، راه‌یاب و هادی قرار گیرد.

تا در جهت بروز جنبش در حیات ملی، و ظائف خویش را از حیث اعتلا کلمه حق بانجام رسانده باشد، بامید آنروز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ستاد جامعه علوم انسانی
